

برونده محرمانه/ نظر «جفری هالورسون» در مورد جریان شیرازی‌ها چیست؟ - فتن

به گزارش پایگاه خبری تحلیلی فتن □ «جفری هالورسون» نظریه پرداز و پروفیسور دانشگاه آریزونا ای امریکا، پس از فتنه ۸۸ با انتشار مقاله ای (که در سایت مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه آریزونا منتشر شد) تصریح نمود که دیگر راهکارهای نظامی برای مقابله با حکومت ایران چندان کارایی نداشته و جبهه غرب و استکبار باید تغییر تاکیک داده و «براندازی نرم» را در دستور کار خویش قرار دهد.

هالورسون نظریه خود را اینگونه مطرح می کند که ما برای موفقیت در مقابل نظام و حکومت ایران، باید از ماجرای کربلا بنفع خویش بهره برداری کنیم. بدین صورت که از تمام امکانات خویش برای «بیزید» معرفی کردن «حکومت ایران» استفاده نماییم. اما نکته □ جالب توجه در اینجا است که او «جریان شیرازی‌ها» را بعنوان بهترین کاراکتر برای ایفا نمودن نقش طرفداران امام حسین و مقابله با یزید ساختگی یعنی نظام مقدس جمهوری اسلامی معرفی می کند!

این نظریه پرداز، برای اثبات مناسب بودن این نقش برای جریان شیرازی‌ها، دلیل های متعددی عنوان می کند؛ از جمله: سید بودن رهبر این جریان، اهل کربلا بودن اکثر طرفداران این طیف، منتقد بودن آنها نسبت به نظام ایران، منتسب دانستن رهبر این جریان به عنوان «امام شیرازی» و اینکه شایع □ کشته شدن او بوسیله سم و بدست حکومت ایران، بهترین دستاویزی است که ایفای نقش لشکر اولیاء را در این سناریوی مخوف برای این طیف مناسب جلوه می نماید.

نکته □ پایانی این مقاله، پیشنهاد به سنای امریکا برای کمک به این جریان بوسیله وسائل ارتباط جمعی از جمله شبکه های ماهواره ای، اینترنت و سایت های خبری در جهت ترویج افکار این جریان می باشد.

اکنون پس از ۴ سال از انتشار این مقاله، با رشد قارچ گونه شبکه های ماهواره ای و وابسته به جریان شیرازی‌ها و همچنین تحرکات مرجع خودخوانده این جریان در تحریک جوانان علیه نظام، بازخوانی متن کامل این مقاله که توسط خادمین هیئت محبین اهل بیت (علیهم السلام) در «واحد سایبری هیئت» ترجمه و تنظیم شده است، خالی از لطف نیست:

A Counter-Narrative for Iranian Tyranny

یک «ضد روایت (پادروایت)» برای حکومت مستبد ایران

Written by admin on October 7, 2010

نویسنده: دکتر جفری هالورسون؛ ۱۵ مهر ۱۳۸۹

دانلود مقاله در قالب PDF از سایت رسمی دانشگاه آریزونا

ترجمه :

چکیده

رژیم حاکم ایران به عنوان یک رژیم «دارای سیاست خارجی جنگ طلبانه»، «متجاوز به حقوق انسانی شهروندان» و «مظنون به برنامه تسلیحاتی هسته ای»، بطور فزاینده ای برای بی ثبات کردن منطقه خاورمیانه، مطرح است. تمام طرفین درگیر به جز خود رژیم ایران، علاقه مند به فراهم آوردن «اصلاحات اساسی در سیستم سیاسی ایران» هستند؛ و این مهم مخصوصاً بخاطر افزایش قدرت نظامی این رژیم، اهمیت بیشتری یافته است.

اما از آنجا که هر «تلاش نظامی» جهت ایجاد این تغییرات، پر از ریسک و بشدت خطرناک خواهد بود، از این رو، یک «مبارزه نرم» که از طریق ارتباطات استراتژیک حاصل می گردد، راه حل مناسب تری برای دستیابی به این مهم می باشد.

یک راه مؤثر برای سلب مشروعیت بیشتر رژیم ایران در بین حامیان باقیمانده اش در سطح ایران و جهان، به خصوص در بین گروه های شیعی، استفاده از ابزار مبارزه نرم برای ایجاد برخی تغییرات است. بنیان رژیم ایران را انقلاب «شیعیان دوازده امامی» که توسط روح الله خمینی در سال ۱۹۷۹ انجام شد، تشکیل می دهد. این انقلاب، شامل یکسری روایات [یا الگوهای] مشروعیت بخش، بویژه داستان قدرتمند و غنی «کربلا» است که پشتوانه ای تأثیرگذار برای احساسات ضد دولتی، مخالفت با حکومت های مستبد و ایجاد تحریک و بسیج مذهبی فراهم می کند و می تواند توسط رهبران رژیم هدایت گردد.

داستان کربلا، یک جنگ و کشمکش کهن مابین خیر و شر را نقل می کند. قهرمان آن یعنی امام حسین، جان خویش را در برابر سپاه ستمگر و مستبد خلیفه وقت (یزید) قربانی نمود. در سراسر این جانفشانی، حسین به پیروانش یاد می دهد که بهتر است تا انسان برای آزادی و حریت بمیرد؛ تا اینکه تحت ستم و استبداد زندگی کند. در سنت شیعیان، تقریباً تمام دوازده امام بدست حاکمان مستبد زمانشان و اکثراً بوسیله سم شهید شدند. شاه ایران قبل از اینکه در سال ۱۹۷۹ سرنگون گردد، بعنوان یزید شناخته شده بود. «استبداد رژیم کنونی ایران»، برخلاف تلاش های صریحشان برای استفاده از اسلام بعنوان ابزار حکومت، زمینه را برای مقایسه این

رژیم با داستان کربلا فراهم کرده است.

مرحوم آیت الله العظمی محمد شیرازی (در سال ۲۰۰۱ میلادی برابر با سال ۱۳۸۰ شمسی)، که توسط برخی بعنوان «امام شیرازی» مورد احترام بود، یک منتقد صریح نسبت به رژیم ایران و همچنین فهم و تفسیر این رژیم در مورد حکومت اسلامی بود. شیرازی، به همراه خاندان و طرفدارانش، مرتباً مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند. وقتی او در سال ۲۰۰۱ از دنیا رفت، بسیاری از پیروانش رژیم را به قتل عمدی او با سم متهم نمودند. این اتهامات بوسیله حرکت منظم پلیس ضدشورش در مراسم تدفین شیرازی و دزدیدن جنازه او، بوسیله رژیم تقویت گردید. این وقایع، مستعد این است که ساختار و مدلی شبیه داستان کربلا ایجاد شود. در نتیجه، شیرازی می تواند نقش وارسته امام حسین را در این مبارزه بر علیه رژیم ایرانی مستبد علی خامنه ای اشغال کند.



جفری هالورسون

رژیم ایران

رژیم حاکم جمهوری اسلامی ایران تحت رهبری علی خامنه ای، توجه و سرزنش جهانی را بخاطر پیگیری فعالش در زمینه تکنولوژی هسته ای به خود جلب نموده است. با وجود ادعاهای مقامات ایرانی مبنی بر صلح آمیز بودن فعالیت های هسته ای ایران، بسیاری از تحلیل ها و مشاهدات بین المللی اذعان دارند که هدف نهایی ایران، داشتن جنگ افزارهای هسته ای است. با اینکه سازمانهای اطلاعاتی آمریکا اعتقاد دارند که دستیابی ایرانیان به یک سلاح هسته ای به این زودی ها امکان پذیر نیست، این مسئله نگرانی آشکاری را برای بسیاری جوامع بین المللی فراهم آورده است. با این حال، وقتی رفتار و سیاست های کلی رژیم حاکم ایران را مطالعه کنیم، این نگرانی مشروع و درست به نظر می رسد.

رسوایی و تظاهرات سال ۲۰۰۹ و پس از انتخابات ایران [فته ۸۸] نشان داد که دولت استبدادی، مایل به استفاده از همه ابزارهای خشونت آمیز، از جمله نیروهای سرکوبگر، برای تحمیل اراده خود بر مردمش می باشد. اصلاحات سیاسی - اجتماعی محدود، اما امیدوار کننده ای که در طول دوره تصدی محمد خاتمی - رئیس جمهور سابق - به وقوع پیوسته بود، به وضوح پس زده شد. دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد تندرو، تصمیم ایران برای بازگشت به انزوای بین المللی، مبارزه طلبی، مقابله و شعارهای دوران انقلاب را نشان می داد. این تغییر هشدار دهنده است، به ویژه هنگامی که در کنار آن، توسعه فعال تسلیحاتی ایران و تظاهرات عمومی مردم ایران در حمایت از فن آوری تسلیحاتی دیده شود. به عنوان مثال، ایران به تازگی یک بمب افکن بدون سرنشین دوربرد جدید به نام «کرار» را با هیاوی بسیار در تهران رونمایی نموده است. در مراسم رونمایی، رئیس جمهور احمدی نژاد، این سلاح را به عنوان یک پیام آور شکوه و رستگاری برای بشریت؛ اما سفیر مرگ برای دشمنان ایران دانست. این، سخن سختی برای یک سیاستمدار و شریک بین المللی است. بعلاوه، برخی اذعان دارند که رژیم، خودش را در مواجهه با رشد مخالفت های داخلی و خارجی، تحت محاصره می بیند.

نقض حقوق بشر رژیم ایران نیز به خوبی مستندسازی شده است. آنها اقلیت های قومی و مذهبی، از جمله گروه های مسلمان غیر شیعه، روشنفکران لیبرال، مخالفان سیاسی، روزنامه نگاران، همجنس گرایان و دیگران را تحت آزار و اذیت قرار داده اند. همچنین رژیم ایران، طیف وسیعی از گروه های شبه نظامی، از جمله

حزب الله لبنان و فعالان شیعه شبه نظامی در عراق - که اقدامات تروریستی انجام می دهند - را به طور جدی از لحاظ مالی و آموزشی، پشتیبانی می کند. برای حمایت از این فعالیت ها، از منابع ایران که شامل ذخایر نفتی قابل توجه است، تحت نظارت دولت استفاده شده است.

در این شرایط، اقدام نظامی آمریکا علیه ایران غیر عاقلانه است و ممکن است تنها به متحد کردن جناح های متخاصم درون حکومت ایران منجر شود. اقدام نظامی - در زمانی که حمایت بیشتری از جامعه بین المللی مورد نیاز است - بیشتر به بی ثبات کردن منطقه و مردم کشور و تمایلات دموکراتیک آسیب می رساند. رژیم ایران نیز چنین اقداماتی را به عنوان بهانه ای برای سرکوب بیشتر مخالفان داخلی خود و بهره برداری از تلفات جانی در جنگ تبلیغاتی علیه آمریکا و متحدان منطقه ای آن مورد استفاده قرار می دهد. بنابراین، بکارگیری «نیروی نرم»، راه حل با دوام تری را برای مقابله با رژیم ایران ارائه می دهد.

این مقاله این استراتژی را پیشنهاد می دهد که باید این روایت را که «رهبر حال حاضر ایران، همانند حاکمان ظالم و مستبدی است که به امامان مقدس ظلم کردند و آنها را کشتند»، تقویت نمود.

ایران و تشیع مدرن

ظهور انقلاب تشیع دوازده امامی در اواخر قرن بیستم، یک نوآوری در نگرش شیعه نسبت به سیاست بود. نظریه سیاسی آیت الله موسوی خمینی، دکترین ولایت فقیه را گسترش داد. خمینی پیشنهاد کرد که تنها یک فقیه شیعه معتبر و مقتدر می تواند در زمان غیبت امام زمان (امام مهدی که در آخر الزمان ظهور می کند) حکومت کند. این دکترین قرن ها انفعال سیاسی شیعه دوازده امامی، که با بی اعتمادی دیرینه به سیاست و تمایل به خروج از چنین شرایطی همراه بود، را از بین برد. با این وجود، دکترین نوآراندن سیاسی خمینی (پس از سال ها آشوب داخلی) در تبدیل شدن به پایه و اساس رژیم آخوندی استبدادی امروز ایران موفق گردید.

در طول تاریخ، شیعیان در مقابل تسلط و نفوذ سیاسی شاخه اهل سنت اسلام، همواره در اقلیت بودند و تحت رهبری یک خط خاص از مردان از خانه پیامبر (اهل بیت) پشتیبانی می شدند. بر طبق عقاید شیعه، این مردان با فضیلت و معصوم، توسط کسانی که در قدرت بودند به حاشیه رانده شده، مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و در نهایت به قتل رسیدند. شیعیان با مراجعه به این خط از دوازده مرد، از تبار حضرت محمد عنوان «امامت» داده اند. این ائمه به عنوان تنها رهبران مذهبی سیاسی مشروع اسلام، به رسمیت شناخته شده اند و وفاداری به آنها از باورهای قطعی شیعیان است. هنگامی که خط این ائمه به پایان رسید، با توجه به نظر اکثریت شیعه (شیعیان اثنی عشری)، یک گروه از دانشمندان و یا روحانیون ظهور کردند تا رهبری و هدایت جامعه اسلامی شیعه را تا زمان ظهور امام زمان به عهده گیرند.

حادثه کربلا

با توجه به متون سنتی و مقدس شیعه، همه ائمه بجز امام دوازدهم توسط دشمنان داخلی «اسلام واقعی»، معمولاً به دستور خلفا و حاکمان امپراتوری بزرگ مسلمان به قتل رسیده اند. در نتیجه شیعیان به امور سیاسی، به دید یک نهاد عمیقاً فاسد که توسط اشرار و مردان علاقه مند به قدرت و ثروت اشغال شده نگاه می کردند. به نظر می رسید که کل جهان مکانی برای درد و رنج و بی عدالتی بود.

این ایده به وضوح در داستان کربلا مشهود است، جایی که امام سوم (حسین بن علی)، نوه محمد پیامبر، توسط سربازان خلیفه اموی وقت، یعنی یزید سر بریده شد و بسیاری از خانواده اش هم ذبح شدند. این داستان در منابع متعددی روایت شده، اما هیچ شرح متعارف خاصی برای آن وجود ندارد. روایت متداول ذکر می کند که خانواده امام حسین، شامل برادر ناتنی او «عباس»، پسر بزرگش «علی اکبر»، پسر دیگرش «علی زین العابدین» (امام چهارم)، خواهرش «زینب دختر علی»، پسر کوچکش «علی اصغر»، دخترش «سکینه» و بسیاری دیگر می شدند. آنها توسط یک ارتش عظیم هزاران نفری از سربازان اموی، به رهبری فرمانده نظامی یزید، یعنی شمر، محاصره شدند.

بعد از روزها مذاکره و درگیری، نبرد در دهم محرم، که به روز عاشورا معروف است، آغاز شد. صحابه حسین که تعدادشان بشدت کمتر از طرف مقابل بود، برای مواجهه با سپاه دشمن خارج شدند و قبل از شهادت، در برابر حمل ویرانگر تیر، نیزه، و شمشیر، قهرمانانه و بطور حیرت آوری جنگیدند. با اینکه تمام مردان خانواده حسین بجز پسرش «علی زین العابدین» (که بشدت مریض بود)، کشته شدند، او بر مرکب نشست تا آخرین ایستادگی قهرمانانه خود را به منصه ظهور برساند. در میدان جنگ، حسین به تنهایی با کل ارتش مواجه کرد و صدها نفر را یک به یک کشت. در نهایت، امویان خانانانه همگی به یکباره حمله کردند. پس از برداشتن جراحات خونین متعدد، حسین در نهایت توسط شمر سر بریده شد. پس از آن، سر بریده حسین، همراه با چند تن از بازماندگان، به سوی خلیفه، یزید که در دمشق بود آورده شد.

حوادث کربلا به طور کامل و با جزئیات نمایشی و خونباری در سنت شیعه بازگو می گردد. آنها بر طبق رسوم مذهبی، هر ساله روز مقدس عاشورا را گرامی می دارند. در موارد بسیار افراطی، مراسم بزرگداشت شامل اعمال زنجیرزنی و قمه زنی برای سوگواری درد و رنج امام حسین (ع) و خانواده اش می باشد. داستان کربلا به عنوان الگوی مبارزه‌ی نهایی بین خوب (حسین) و بد (خلیفه یزید) در جهان و آزادی در برابر استبداد و بی عدالتی شناخته شده.

با توجه به این جهان بینی شیعیان دوازده امامی در اسلام، ظهور رژیم آخوندی ایران هر دو نادر و مخاطره آمیز است. خمینی قادر به بسیج داستان کربلا در برابر حکومت استبدادی شاه بی دین (محمد رضا پهلوی) و سرنگونی دولت او بود.

حال اگر بخواهیم روایت کربلا را شبیه سازی کنیم، روحانیون شیعه، به رهبری خامنه ای، در حال حاضر در نقش حاکم فاسد و مستبد یعنی یزید می باشند. روحانیون حاکم به منظور منحرف ساختن تهدیدهای داخلی، نقش مستبدان را به بیرون از ایران و به ایالات متحده، و یا چهره های سیاسی خاص مانند جورج دبلیو بوش، تونی بلر، و یا آریل شارون هدایت نمودند. با این حال، آسیب پذیری مهم و قابل توجهی به این قیاس نامطلوب در روایت کربلا باقی می ماند، که خود رژیم

ایران با رفتار و وحشیانه و سرکوب استبدادی مردمش از آن پشتیبانی می کند. همانطور که قبلاً گفته شد، روایت کربلا بیانگر درگیری دوطرفه □ آرمانی بین خوب و بد، و یا میان آزادی و استبداد است. کسی نمی تواند خارج از این درگیری دوطرفه وجود داشته باشد. بنابراین، نقش حسین (ع) به منظور قرار دادن رژیم ایران در نقش یزید و دیگر خلفای مستبد و ستمگر که مطابق با روایات شیعه امامان مقدس را اذیت و آزار کردند و کشتند، باید پر شود.

چهره ای که نقش امام حسین (ع) را پر می کند، **آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی** است. شیرازی در طول عمر خود، یک روحانی محترم و محبوب، و یکی از مراجع عظام (بالاترین رتبه در سلسله مراتب روحانیت شیعه دوازده امامی) بود که به زهد و ارتباط نزدیک با مردم عادی شناخته می شد. او همچنین سید (از نوادگان محمد پیامبر) بود، که در بین شیعیان یک وجه تسمیه □ مهم محسوب می گردد. او بطور ویژه ای متصل با شهر مقدس کربلا بود (اگرچه دهه های آخر عمرش را در شهر مقدس قم سپری نمود). پیروان او (**شیرازیون**) اغلب به «گروه کربلایی ها» مشهور بودند.

هنگامی که او در ماه دسامبر سال ۲۰۰۱ به طور ناگهانی در اثر سکنه مغزی درگذشت، پیروان پریشان او اعتقاد داشتند که توسط رژیم ایران مسموم شده است. شیرازی مدت طولانی منتقد خامنه ای، و همچنین دکترین خمینی در بحث ولایت فقیه بود، که به گفت □ او به استبداد و دیکتاتوری منجر شده بود. به علت مخالفت او، رژیم ایران مرتباً پیروانش را مورد آزار و اذیت، ضرب و شتم، بازداشت، شکنجه، و حتی اعدام می نمود. سرکوب رژیم در مورد شیرازی، پس از مرگ او نیز ادامه یافت؛ زمانی که نیروهای امنیتی به مراسم تشییع جنازه او حمله کرده و جنازه او را ربودند تا در یک قبر نامشخص به خاک سپرده شود.

ایده ی اینکه **امام شیرازی** (مخصوصاً با لقب امام) توسط خامنه ای و رژیم ایران مسموم شد، یک فکر ایده آل برای استفاده در این ضد روایت (پادروایت) است. ترویج این ایده، بویژه هدف قرار دادن علی خامنه ای، پتانسیل مرتبط کردن حکومت ایران با یزید را فراهم می آورد.

مرگ ائمه اطهار

کلمه امام به معنای واقعی کلمه به معنی رهبر و یا کسی است که جلوتر از بقیه ایستاده است. در اسلام سنی، این یک سمت معمول برای رهبر دینی و عبادی است، اما در اسلام شیعی، عبارت امام یک لقب مخصوص برای خط معصوم رهبران از نسل محمد پیامبر (ص) از طریق دختر ایشان فاطمه زهرا (س) و همسرش علی (ع) می باشد. در موارد بسیار خاص، ممکن است به یک محقق و یا فقیه محترم شیعه عنوان امام اعطا گردد، که شاید نشان می دهد که این شخص محترم یک ارتباط معنوی با امام غائب (امام مهدی (عج)) داشته است. به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، آیت الله العظمی روح الله خمینی، عنوان امام توسط مریدان او داده شد. با این حال، بر خلاف ائمه معصومین، خمینی به قدرت سیاسی مطلق صعود نمود و به دلایل طبیعی درگذشت. پیروزی انقلابی خمینی، اصلاً با ائمه اطهار - که همگی بجز امام دوازدهم شهید شدند - متناسب نیست.

امام اول (علی بن ابی طالب) بعد از سه نفر به خلافت رسید، اما با مخالفت خشونت آمیز حداقل سه فرقه از مسلمانان مواجه شد که عبارت بودند از: اهل سوره به رهبری معاویه، حامیان عایشه و نهایتاً خوارج. علی (ع) در نهایت توسط یکی از خوارج، با استفاده از شمشیر مسموم ترور شد. در واقع ثابت می شود که سم، روش ترور ائمه معصومین بوده است. جانشین علی (ع)، حسن (ع)، بنا به گزارش ها در یک توطئه توسط خلیفه وقت یعنی معاویه مسموم شد. برادرش حسین (ع) (که به سیدالشهدا معروف است) مسموم نشد اما در یک مبارزه نابرابر در سرزمین کربلا کشته شد و سر از تنش جدا گردید. عقیده بر این است که دیگر ائمه باقیمانده نیز بجز امام دوازدهم توسط خلفای وقت مسموم شدند.

با توجه به اعتقاد شیعه، امام دوازدهم، مهدی، در اواخر قرن نهم میلادی در سامرای عراق غائب شد. بنا به روایات معتبری که وجود دارد، پس از مرگ امام یازدهم، حسن العسکری، در میان شیعیان این نگرانی بود که چه کسی جانشین او خواهد شد. در نهایت مشخص شد که امام مخفیانه یک پسر در سال ۸۶۸ داشته و تنها مورد اعتماد ترین اطرافیان از وجود کودک مطلع بوده اند. بنا به روایات، خلیفه وقت حتی مادر امام دوازدهم را زندانی کرد، به منظور اینکه او را مجبور به فاش کردن محل پسرش کند، اما او خودداری نمود و فرار کرد. دشمنان ائمه تلاش کردند تا این پسر را یافته و به قتل برسانند، اما او در سال ۸۷۳ میلادی در سرداب سامرا از نظرها غائب گردید. این امام غائب تا زمانی که خدا لازم بداند، به زندگی در این جهان ادامه خواهد داد و یک روز ظهور خواهد کرد تا کنترل جهان را برای بازگرداندن عدل و برابری بدست گیرد.

حافظه تاریخی ممکن است با گزارشات ویژه ای که در منابع روایی شیعه آمده است مغایرت داشته باشد، اما این روایات خودشان چیزهایی هستند که مهم باقی می ماندند: «حاکمان سیاسی نامشروع استبدادی (خلفا) و عوامل آنها، ائمه ای را که رهبران اسلامی حقیقی از نسل پیامبر بودند، مسموم کردند.» این عنصر اصلی ای است که برای ما مهم است و ما را به شخصیت امام شیرازی علاقه مند می کند.

مرگ امام شیرازی

پس از سال ها بازداشت خانگی در شهر قم، شیرازی در ماه دسامبر سال ۲۰۰۱ به طور ناگهانی در اثر سکنه مغزی درگذشت. بسیاری از پیروان او معتقد بودند که شیرازی با استفاده از سم، توسط خامنه ای و رژیم ایران ترور شده است. این اتهامات به صورت تئوری های توطئه است که کاملاً متناسب با روایت شیعه موجود در مورد شهادت ائمه معصومین به دست حاکمان مستبد زمانشان است. این باورها با رفتار تکان دهنده رژیم ایران پس از مرگ شیرازی هر چه بیشتر تقویت شد.

از آنجا که صفوف گسترده در مراسم تشییع جنازه برای شیرازی به سمت خانه اش در قم حرکت کردند، نیروهای امنیتی ایران، با لباس های مستتر، در صفوف منظم یورش برده، به همراهان پای تابوت حمله کردند و جسد شیرازی را ربودند، که قبل از دیدن آن بوسیله مینی بوسی که برای این کار تعبیه شده بود، جسد دو بار بخاطر هرج و مرج بوجود آمده، به روی خیابان سقوط کرد. تصاویر این صحنه، با وجود خاموشی رسانه های دولتی در ایران که هیچ چیز غیر عادی درباره

این مراسم تدفین را منتشر نکردند، بعداً راه خود را بر روی اینترنت پیدا کرد (پایین را ببینید). در مخالفت با خواسته های خود شیرازی، نیروهای امنیتی رژیم، بدن او را به زور و بدون اجازه خانواده اش در حرم حضرت معصومه (ص) به خاک سپردند. قبر او در کف حرم بصورت نامشخص است، بخاطر قرار داشتن در بخش زنان برای بقیه غیر قابل دسترسی می باشد و علاوه بر آن توسط نیروهای امنیتی حکومت به سختی کنترل می گردد. در سال ۲۰۰۵، گزارش شده است که یک گروه از زنان خانواده شیرازی، از جمله دخترهای ایشان، که قبر را بازدید کردند و در آن مکان نماز خواندند، برای چند ساعت توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم و بازداشت قرار گرفتند.

پس از مرگ شیرازی در سال ۲۰۰۱، پیروان او واژه محترم «امام» را به او نهادند، در حالی که رژیم تنها به خمینی لقب امام داده بود و حتی او را مجدّد (تجدید کننده ایمان) در قرن معاصر دانستند. اتاق کوچکی که شیرازی در قم در آن زندگی می کرد، به یک زیارتگاه تبدیل شده است و بازدیدکنندگان می توانند بیابند و از عامه و تشک ساده ایشان که بر روی یک زمین لخت قرار گرفته عکس بگیرند.

استفاده از کربلا به عنوان «ضد روایت (پادروایت)»

روایت [۱] اصطلاحاً به «یک سیستم منسجم از داستان های سازماندهی شده ی مرتبط و پی در پی که خواسته ی معمول لفظی را برای رفع یک تضاد، با بکارگیری توقعات مخاطب، بر طبق خط سیر شناخته شده ای از فرم ادبی و لفظی آن بکار می گیرد.» گفته می شود. وقتی طنین صدای یک روایت پس از گذشت سالها، بصورت فراتاریخی و عمیق در فرهنگی خاص جا می گیرد، به آن «فرا روایت» [۲] گویند. داستان کربلا یکی از همین فرا روایت ها است.

روحانیون ایران استفاد □ ویژه و سنگینی را از روایت کربلا به منظور بسیج احساسات انقلابی علیه شاه و کنترل دولت در سال ۱۹۷۹ کردند. از آن زمان، آنها روایت کربلا را علیه مخالفان رژیم خود، به خصوص در برابر قدرت های خارجی مانند ایالات متحده بکارگیری نموده اند. رژیم ایران، به رهبری آیت الله علی خامنه ای، خود را به عنوان نگهبان یک دولت متدین اسلامی، در جهانی که گرفتار بی عدالتی و بی خدایی است، به تصویر می کشد.

حال، یک ضد روایت یا «پاد روایت» را می توان تحت عنوان «تغییر استراتژی مجموعه ای از رویدادها، با استفاده از یک داستان یا روایت متضاد یا مختلف» معنا کرد. شاه سرنگون و مورد حمایت آمریکا در ایران تلاش کرده بود، برای مشروعیت بخشیدن به حکومت و دولت خود، روایت خاص خود را در یادآوری «سلسله امپراتوری پیش از اسلام در ایران» بازگو نماید. این روایت نمی توانست در مقابل استقرار مذهب تشیع، بعنوان یک «پاد روایت» بکار رود. «ضد روایت» شاه، نه تنها موفق به تکذیب ادعاها و قیاس های موجود در کربلا نشد؛ بلکه خود این که شاه به طور آگاهانه به عنوان نمونه ای از پادشاهان قبل از اسلام (بت پرست) و امپراتورهایی مثل ساسانیان شناساخته شد، تصویر شاه را بعنوان شخصی بی دین، مستبد و فاسد و ضد اسلام در میان مردم تقویت نمود. همچنین، شاه، به دور از مشروعیت بخشیدن به حکومت خود، روایت کسانی که او را با یزید ستمگر مقایسه می نمودند را تقویت نمود.

در نتیجه، یک ضد روایت یا «پادروایت» مؤثر و موفق، باید سه چیز را دارا باشد:

۱) ادعاهای داستان اولیه و اصلی را توسط واژگون جلوه دادن و از نو طرح ریزی کردن قیاس ها و تشابهات، منتشر کند و نفوذ دهد.

۲) در مورد حقایق آن شک ایجاد کند.

۳) آنها را با یک روایت و داستان از واقعه ای بزرگتر جایگزین نماید.

روایت کربلا، پتانسیل کافی را برای تحقق هر سه مورد ذکر شده، علیه رژیم کنونی ایران دارا می باشد.

توصیه ها

از زمان حکومت صفویه، یعنی زمانی که مراسمات شیعه دوازده امامی توسط حکومت بعنوان یک خاکریز (سد) در برابر حکومت های سنی - مثل ازبک ها، مغول ها و عثمانی ها که در حاشیه ایران وجود داشتند - ترویج می شد، داستان کربلا با ایرانیان در هم تنیده شده است. یک تحقیق بسیار عالی در مورد این پدیده، اثر آقای کامران آقایی به نام «شهید کربلا: سمبل ها و شعائر شیعی در ایران مدرن» می باشد. آقایی در این اثر گفته است که: سمبل ها و شعائر مذهبی داستان کربلا، نافذترین بیان و تجلی از ایده آل های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی را در طول یک قرن و نیم گذشته تشکیل می دهد.

فعالان حوزه ارتباطات استراتژیک، باید توجه خود را به داستان کربلا معطوف نمایند و راه هایی را برای بکارگیری آن علیه طرفداران استبدادی رژیم ایران به خصوص رهبر ایران (علی خامنه ای) کاوش نمایند. یک ضد روایت (پاد روایت) مؤثر باید در تاریخ فرهنگی این منطقه ریشه دار گردد؛ ولی نه بصورت آشکارا، بلکه بطور مختصر. یعنی این کار نمی تواند بصورت تبلیغاتی انجام پذیرد، بلکه هدف باید تقویت و نیروبخشی به داستان فرهنگی موجود باشد.

پیروان امام شیرازی در حال حاضر توانایی خود را در استفاده از اینترنت و ابزارهای رسانه ای جدید، به منظور گسترش و انتشار تهالیم معلم محترم خود، نشان داده اند. این صداها می تواند از طریق ابزارهای رسانه ای جدید تقویت گردد و در متن داستان کربلا قرار گیرد.

استفاده از این کار ممکن است بعنوان یک «ضد روایت» علیه رژیم ایران و ادعاهایش افزایش یابد و برای شیعیان اثنی عشری سرتاسر عالم از جمله لبنان، عراق و پاکستان ارائه گردد. یکی از روش ها، می تواند استفاده از ویدئوی آنلاین به منظور به تصویر کشیدن چهره ی شیرازی و خامنه ای در نقش و جایگاه مورد نظر باشد. یکی دیگر از روش ها، ساخت مستندهایی به زبان فارسی، به منظور تکرار «ادعای ترور و مسمومیت شیرازی» است. خود رژیم ایران برخی محصولات

و تولیدات را به منظور تلاش در جهت بی اعتبار ساختن و مشکوک جلوه دادن وقایع حول مرگ «ندا آقا سلطان» در طول وقایع بعد از انتخابات ۲۰۰۹ میلادی (فصل ۸۸) مورد استفاده قرار داد.

دوره زمانی ایده آل برای انتشار چنین پیام هایی، ماه محرم و منتهی به روز مقدس عاشورا است. این زمانی است که مسلمانان شیعه بیشتر به لحاظ عاطفی، معنوی و جسمی از روایت کربلا آگاه هستند. هرگونه تلاش برای از بین بردن انتشار این پیام، یا سرکوب حامیان شیرازی، تنها روایت کربلا را از ادیت و آزارهای سیاسی رژیم ایران و بازیگری آنها در نقش یزید ستمگر، که خشونت را به جای تقوا اجرا می نمود، تغذیه و تقویت می کند.

پارلمان آمریکا نیز باید در انجام برخی فعالیتها مخصوصاً در میان دانشجویان دانشگاه ها، محتوای کتاب ها، جزوات، فرستنده های رادیویی (مثل صدای آمریکا، رادیو آزاد آسیا)، تلویزیون (مثل الحوراء) یا برخی ابزارهای مبتنی بر وب مانند بلاگ ها سهولت سازی انجام دهد.

همچنین، ایالات متحده آمریکا باید روابط فرهنگی با شیرازی ها را در داخل و خارج بخوبی انجام دهد و با استفاده از رابطه‌ی خوب خود با حکومت سعودی، آزاد فعالیت بیشتر گروه های آنان را در شرق این کشور (قطیف و بحرین) تقویت نماید. ایالات متحده به متحدانی در جهان اسلام که به زندگی مسالمت آمیز و دموکراسی باور داشته باشند، نیاز دارد. شیرازی ها برای انجام چنین کاری مناسب هستند. با این وجود، اهمیت این گروه نباید بیش از حد در ابعاد جهانی مطرح شود؛ زیرا آنها گروه اقلیتی از شیعه هستند، که خود شیعه نیز در جهان اسلام در برابر شاخه سنی - که جمعیت حداکثری از اسلام را تشکیل می دهد - در اقلیت قرار دارد.

Narrative [۱]

Master narrative [۲]

منبع : هیئت محبین اهل بیت

هرگونه کپی برداری تنها با ذکر منبع مجاز است

